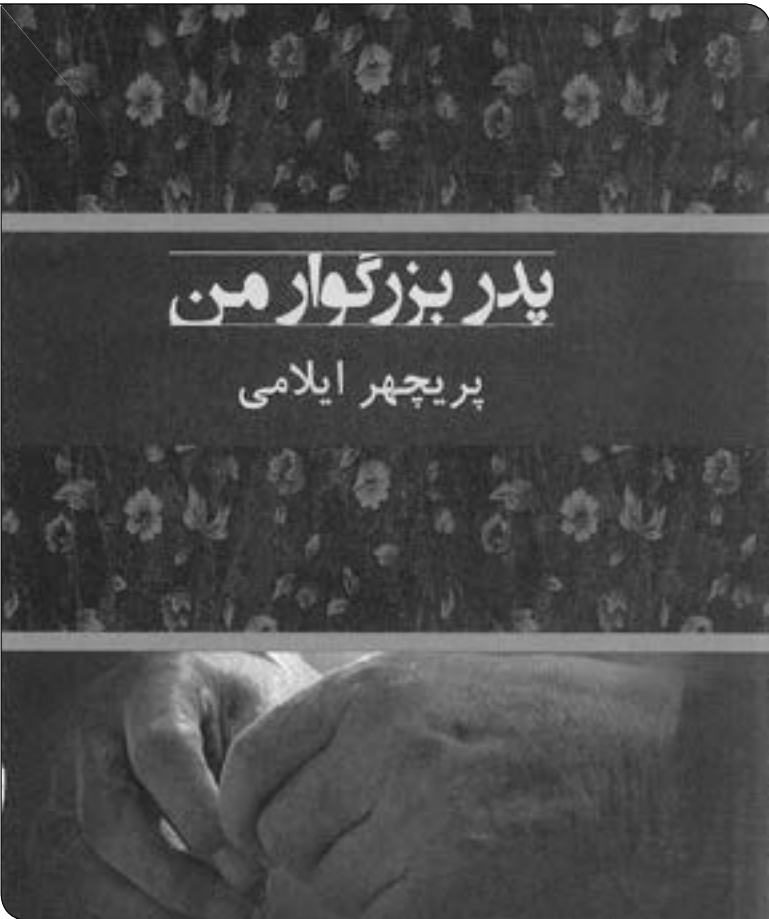


پدر بزرگوار من

رمان نوشته‌ی پرپچه‌ر ایلامی

انتشارات نوید شیراز- ۱۴۴ صفحه- ۹۰۰۰ تومان

امین قفیری



بشود که خانم ایلامی خلق کرده‌اند، خوب مطلق. ت- اسامی انتخاب شده آنها از لات‌های شهر فسا به این دفتر مراجعه نموده و تقاضای ثبت طلاق خود را نموده است لذا بدین وسیله به شما اخطار می‌گردد ظرف مدت ۱۰ روز جهت انجام تشریفات قانونی به این دفتر مراجعه و الا برابر مقررات انجام می‌شود.

آدرس دفتر: شیراز خیابان توحید کوچه مسجد ولی عصر ۱/۴۹۵۲/ م الف

سردفتر طلاق شماره ۴ شیراز

حاج غلامعلی توکلیان فرد

آگهی ابلاغ اخطار

محمد شاهسوندی معروف به اصغر شاهسوندی فرزند حسین زوجہ شما با در دست داشتن حکم قطعی از شعبه ۴ دادگاه عمومی حقوقی فسا به این دفتر مراجعه نموده و تقاضای ثبت طلاق خود را نموده است لذا بدین وسیله به شما اخطار می‌گردد ظرف مدت ۱۰ روز جهت انجام تشریفات قانونی به این دفتر مراجعه و الا برابر مقررات انجام می‌شود.

آدرس دفتر: شیراز خیابان توحید کوچه مسجد ولی عصر

۱/۴۹۵۲/ م الف

سردفتر طلاق شماره ۴ شیراز

حاج غلامعلی توکلیان فرد

آگهی

پیرو آگهی‌های منتشرشده در جراید بدینوسیله به خوانده سید حسن موسوی فرزند سعید عرب که مجهول‌المکان می‌باشد ابلاغ می‌گردد چون وفق دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۷۳۱۰۲۰۰۷۴۲ صادره از شعبه دوم حقوقی شهرستان فسا در پرونده شماره ۹۴۰۴۴۱ حکم به اذن در ازدواج لیلا موسوی فرزند سید حسن صادر گردیده ظرف ۲۰ روز قابل وخواهی در این شعبه و سپس ظرف ۲۰ روز قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر استان فارس می‌باشد.

مدیر دفتر شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان فسا

آمنه دهقانیان

آگهی احضار متهم

در پرونده شماره ۹۴۰۴۴۴ شعبه ۱۵ دادیاری دادسرای ناحیه یک شیراز محمدعلی غفاری تبریزی فرزند بیوک به موجب شنکایت زهره داور فرزند محمدعلی به اتهام ایراد ضرب و جرح عمدی تحت تعقیب قرار دارد با توجه به معلوم نبودن محل اقامت وی و عدم امکان ابلاغ احضاریه و عدم دسترسی به او طبق ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مراتب یک نوبت در روزنامه عصر مردم آگهی و متهم ظرف مهلت یک ماه احضار می‌شود پس از انقضای مهلت مذکور تصمیم لازم گرفته خواهد شد.

۱/۴۹۴۵/ م الف

دادیار شعبه ۱۵ دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۱ شیراز

رتجیرزاده

آگهی

خواهان فریده رنجبر دادخواستی به طرفیت خوانده هادی فرشید به خواسته طلاق به درخواست روجه تقدیم داد‌گاه‌های عمومی شهرستان استهبان نموده که جهت رسیدگی به شعبه اول دادگاه عمومی (حقوقی) دادگستری شهرستان استهبان واقع در شهرستان استهبان ارجاع و به کلاسه ۹۴۰۹۹۸۷۳۲۰۱۰۰۵۷۱ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن مورخ ۹۴/۸/۱۳ ساعات ۱۱ تعیین شده است. به علت مجهول‌المکان بودن خوانده/ متهم و درخواست خواهان/شاکی و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی داد‌گاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده/ متهم پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضامنم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.

مدیر دفتر شعبه اول دادگاه عمومی (حقوقی) دادگستری شهرستان استهبان

داود پاک‌نیک

به تازگی رمانی منتشر شده است از پرپچه‌ر ایلامی با نام «**پدر بزرگوار من**». از قرار این کار اول نویسنده است که حاصل نشست و برخاست با جامعه شهری است.

ایشان در خانواده‌های عشایری از نژاد لر (دشمن‌زباری ممسنی) دیده به جهان گشوده و تمام تحصیلاتش را در شیراز گذرانده و کارمند اداره استاندارد و تحقیقات صنعتی فارس شده است و اکنون دوران خاص بازنشستگی را می‌گذراند. معلوم است که ایمن رمان حاصل شیده‌ها و دیده‌های ایشان است. وضعیت زندگی نویسنده به هیچ کدم از عواملی که در این داستان بلند کنار هم قرار گرفته است سر سازگاری ندارد. پس می‌توان به این نتیجه رسید که پرپچه‌ر ایلامی رمانی بر پایه تخیل یا شنیده‌هایی که به آن شکل هنری و داستانی داده‌اند خلق کرده‌اند. چون نویسنده رئالیست حقیقت‌هایی را بر روی کاغذ می‌آورد که خواننده یا درست‌باور می‌کند یا اینکه به امکان واقعی بودن آن می‌اندیشد.

در هر دو صورت نویسنده را نمی‌بایست متهم کرد که زندگی مردم را بازنویسی کرده است و می‌دانیم اگر نویسنده‌ای از قدرت تخیل (که یکی از عناصر اصلی داستان‌نویسی و اصولا هنر است) بهره‌ای نداشته باشد هیچگاه نمی‌تواند دقایق شکل‌دهنده داستان را بیافریند (که در سینما به آن مونتاژ و به شکلی تدوین می‌گویم) در ادبیات خاصیت اتصال صحنه‌ها بسیار فراتر و هنری‌تر از سینما و سریال‌های سینمایی است. در آنجا بین هر صحنه، اغلب از نمای واحدی استفاده می‌شود. دورنمای یک شهر از بالا یا یک عمارت از روبرو و یا از منظراهی طبیعی که بستگی به ذوق و سلیقه کارگردان آن اثر دارد.

و دیگر اینکه نویسنده صحنه حوادثنویس نیست. هیچگاه حادثه صرف، بار داستانی ندارد.

آنچه داستان را می‌سازد علت و معلول و کنش و واکنش است که اگر به این دو (تعلیق) را بیفزاییم کار هنری و کامل از آب درمی‌آید.

و اما، بازگردیم به رمان «پدر بزگوار من» یکی از شگروه‌های نویسنده که بعضی‌ها در آن تخصص خود را بازبازی هنری نشان می‌دهند، نام داستان است. آیا این نام یا تیتری که نویسنده برای اثر هنرش انتخاب کرده است بیانگر موضوع است یا نه؟! عنوان باید معموار نوشته‌شود تا خواننده نتواند فینال داستان و گره‌های مخصوص بدان را حدس یزند و از طرفی به زیرساخت داستان

را می‌دیدم که کنار سجاده‌اش چنان غرق‌راز و نیاز با خدا و خودش است که اصلا متوجه اطرافش نیست. چنان با خلوص نیت با خدا حرف می‌زد و نعمت‌های او را شکر می‌گفت که من گریه‌ام می‌گرفت. (ص ۳۶)
اصولا همه‌ی شخصیت‌های رمان جز چند لاتی که نامشان در بالا رفت مذهبی‌اند.***

حال به مسایلی می‌پردازیم که هر داستان‌نویسی باید آنها را رعایت کند. البته جز با خواندن کتاب‌های مرجع داستان‌نویسی و مخصوصاً **سیک‌های ادبی** تألیف زنده‌یاد دکتر رضا سیدحسینی و آثار مطرح داستان‌نویسان بزرگ جهان (مخصوصاً زنان) و تجربه و تجربه به دست نمی‌آید.

الف- شخصیت‌ها باید به گونه‌ای دیگر هم به خواننده معرفی گردند. هر چه که ما از شخصیت‌های «پدر بزرگوار من» می‌دانیم، اعمال و کردارشان هست. به هیچ عنوان حدس نمی‌زنیم که فیزیک بدنی‌شان چگونه است. رنگ چشم‌ها و صورت و موها چگونه آرایش‌ی دارند. تا چند سال پیش رسم بود که نویسنده مسیر قصه‌گویی را قطع می‌کرد و یکسره به توصیف چهره و قد و هیکل قهرمانان داستان می‌پرداخت. امروزه دیگر این ترفندها منسوخ شده. هر از زمانی، بر طبق نیاز داستان توصیف کوچکی ثبت‌شود تا خواننده در پایان خوانش کتاب این توصیف‌ها را مثل پازل کنار هم قرار دهد و توصیف ظاهری آدم‌ها نموده شوند.

طبیعی است که توصیف حالات درونی کاراکترها را ما در طول کتاب خوانده و دریافته‌ایم. ب- توصیف از طبیعت دیگر همانند گذشته نیست. نویسنده هنگامی از طبیعت می‌نویسد که شخصیت با جان و دل آن را درک و تجربه کند. یعنی مهم روبرو شدن قهرمان داستان با مناظر و رویدادهایی همانند باران و برف و توفان و غرش تندر. هنگامی که در دریای توفانی گیر افتاده باشد نویسنده باید از توفان حرف بزند و زمانی که از کوره‌های کوهستان و جنگل می‌گذرد به توصیف دو سه جمله‌ای از آنها بپردازد. که در کتاب حاضر جز در صفحه ابتدایی خوشبختانه نویسنده فقط به دو واوی یعنی ابتدا دختر و سپس پدر می‌پردازد. و قصه را بدون حاشیه رفتنی و از این شاخه به آن شاخه پریدن روایت می‌کند.

ج- شعار دادن و نتیجه‌گیری در قصه‌نویسی موردی ندارد. این دو مقوله فقط و فقط در مقاله استفاده می‌شود. نویسنده عنصری است بی‌طرف، نه شادی می‌کند و نه می‌گریسد. بلکه همه چیز بر عهده‌ی آدم‌های داستان است که درد و رنج و شادی چه تأثیری بر آنها دارد.

گاه نویسنده خواننده‌ها را خیلی عامی تصور می‌کند و به آنها توضیح می‌دهد مانند این چند سطر.

*** و همین‌طور دیوان حافظ را باز کنید و ببینید که چطور عارفانه‌ترین و لطیف‌ترین شعرها را سروده و چطور با زبان دل تو با تو سخن می‌گوید....**

*** ولی افسوس که ایران همیشه مورد تاخت و تاز بیگانگان قرار گرفته و بیشتر پادشاهانی که ریشه ایرانی نداشتند و مهاجم بودند به این سسرزمین حکومت می‌کردند (شعار- توضیح)**

*** سلسله زندیه ایرانی اصیل بودند. صفاریان ایرانی اصیل بودند که آنها را هم قوم مهاجم امان ندادند.**

*** کریمخان سر سلسله پیرزنده مرد دلار و سلحشوری بود و یک دموکرات واقعی بود- هیچگاه خود را شاه نخواند....**

(ص ۲۱)

اکثر خوانندگان با این مطالب آشنایی دارند. اگر به مناسبتی این حرف‌ها بدین گونه شعاری و توضیح واضحات دادن از دهان بگویی از شخصیت‌های داستان خارج شود که مثلاً برای کودکی ۷ تا ۱۰ ساله توضیح می‌دهد چندان ایرادی ندارد. اما از قلم نویسنده به یک نوع اظهار فضل تعبیر می‌گردد. البته همانطور که گفتیم این مطالب در مقاله‌ای مثلاً با نام «تأثیر حافظ بر ادبیات ایران» یا «چه پادشاهانی به وطن خود عشق می‌ورزیدند» هیچ اشکالی به وجود نمی‌آورد. اما نویسنده فقط باید به دنبال روایت کردن قصه‌اش باشد. و دیگر اینکه مقدمه‌ای بر کتاب داستان ننویسد. اما مقاله آقای دعوت‌الحق در پاسداشت زبان فارسی بسیار زیباست.***

باید گفت خانم پرپچه‌ر ایلامی کتاب زیبایی نوشته‌اند. انقدر ماجرا کنشش دارد که خواننده می‌تواند یک نفس آن را بخواند. اینهایی که نوشته شد برای رعایت در رمان‌های بدی است. موفق باشند.

آگهی

در اجرای دادنامه شماره ۹۵۴۰۹۵۴۹۳۰۱۱۷۱۶۹۳۰۰ صادره از شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر فارس به حمیدرضا رنجبر هزار دره فرزند پیرعلی همسر محبوبه نصیری فارسی فرزند رسول اخطار می‌شود ظرف یک هفته از تاریخ چاپ در روزنامه جهت اجرای دادنامه طلاق فوق‌الذکر با در دست داشتن اصل شناسنامه عکس‌دار و کارت ملی به آدرس دفترخانه طلاق ۲۲ فسا واقع در فسا فلکه داراب کوچه شهید کشاورز جهت اجرای صیغه طلاق همسرتان مراجعه نمایید در غیر این صورت دادگاه محترم در غیاب شما اقدام خواهد کرد.

۱/۷۰/ م الف

سردفتر ازدواج ۲۰۲ و طلاق ۲۲ فسا

رضا محبی

آگهی

نام و نام خانوادگی: حجت امیری

شغل: آزاد

اقامتگاه و آدرس: مجهول‌المکان

چون طلاق فی‌مابین شما و همسرتان گل‌تاج گندم‌چین طی رأی قطعی شماره ۹۴۰۹۹۷۷۱۶۹۳۰۰۳۴۵ برای پرونده ۹۳۱۰۱۳ شعبه اول عمومی دادگاه سروسنستان صادر گردیده به استناد ماده واحده تشخیص صلحت نظام شایسته است ظرف مدت یک هفته به این دفترخانه مراجعه نمایید در غیر این صورت طبق قانون طلاق به ثبت خواهد رسید.

۳/۹۱/ م الف

دفتر طلاق ۶۵ داراب

آگهی احضار متهم

در پرونده شماره ۹۳۱۳۳۹ شعبه ۱۵ دادیاری دادسرای ناحیه یک شیراز مسلم زهرانی نیک فرزند محمد به موجب شنکایت سعید کنشتکار به اتهام ایراد ضرب و جرح عمدی و توهین تحت تعقیب قرار دارد با توجه به معلوم نبودن محل اقامت وی و عدم امکان ابلاغ احضاریه و عدم دسترسی به او طبق ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مراتب یک نوبت در روزنامه عصر مردم آگهی و متهم ظرف مهلت یک ماه احضار می‌شود پس از انقضای مهلت مذکور تصمیم لازم گرفته خواهد شد.

۱/۴۹۴۶/ م الف

دادیار شعبه ۱۵ دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه یک شیراز

رتجیرزاده

آگهی حصر وراثت

آقای بیژن قنبری معصوم‌آبادی فرزند حبیب به شرح درخواستی که به کلاسه ۹۴/۶۳۵ این شورا ثبت گردیده درخواست صدور گواهی انحصار وراثت نموده و اعلام داشته که شادروان کبری خسروی صدرآبادی فرزند غلامحسین به شماره شناسنامه ۴۲۳ صادره از داراب در تاریخ ۹۴/۵/۲۸ در اقامتگاه دائمی خود شهرستان داراب فوت نموده وراثت حین‌الفوت وی عبارتند از:

۱- متقاضی فوق‌الذکر همسر متوفیه

۲- غلامحسین خسروی به شماره شناسنامه ۵ پدر متوفیه

۳- گل‌جان کرمی سلطان‌آبادی به شماره شناسنامه ۸۴ مادر متوفیه

۴- سجاد قنبری معصوم‌آبادی به شماره شناسنامه ۵۳۹ فرزند متوفیه

۵- سحر قنبری معصوم‌آبادی به شماره شناسنامه ۳۴۱-۲۴۸-۲۴۸ فرزند متوفیه

۶- ساجده قنبری معصوم‌آبادی به شماره شناسنامه ۸۷۱۳-۳۵۳۰۰ فرزند متوفیه

۷- سسارا قنبری معصوم‌آبادی به شماره شناسنامه ۳۳۷۵۲-۹۱۶۳۳۷۵ فرزند متوفیه و لایغر

اینک شورا پس از انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کس اعتراضی دارد و یا وصیتنامه‌ای از متوفیه نزد او می‌باشد از تاریخ انتشار آگهی ظرف یک ماه به این شورا مراجعه و تقدیم نماید والا گواهی صادر خواهد شد.

۳/۹۰/ م الف

رئیس شورای حل اختلاف شعبه ایثارگران داراب

باقرپوریان